

## مهدی [عج]

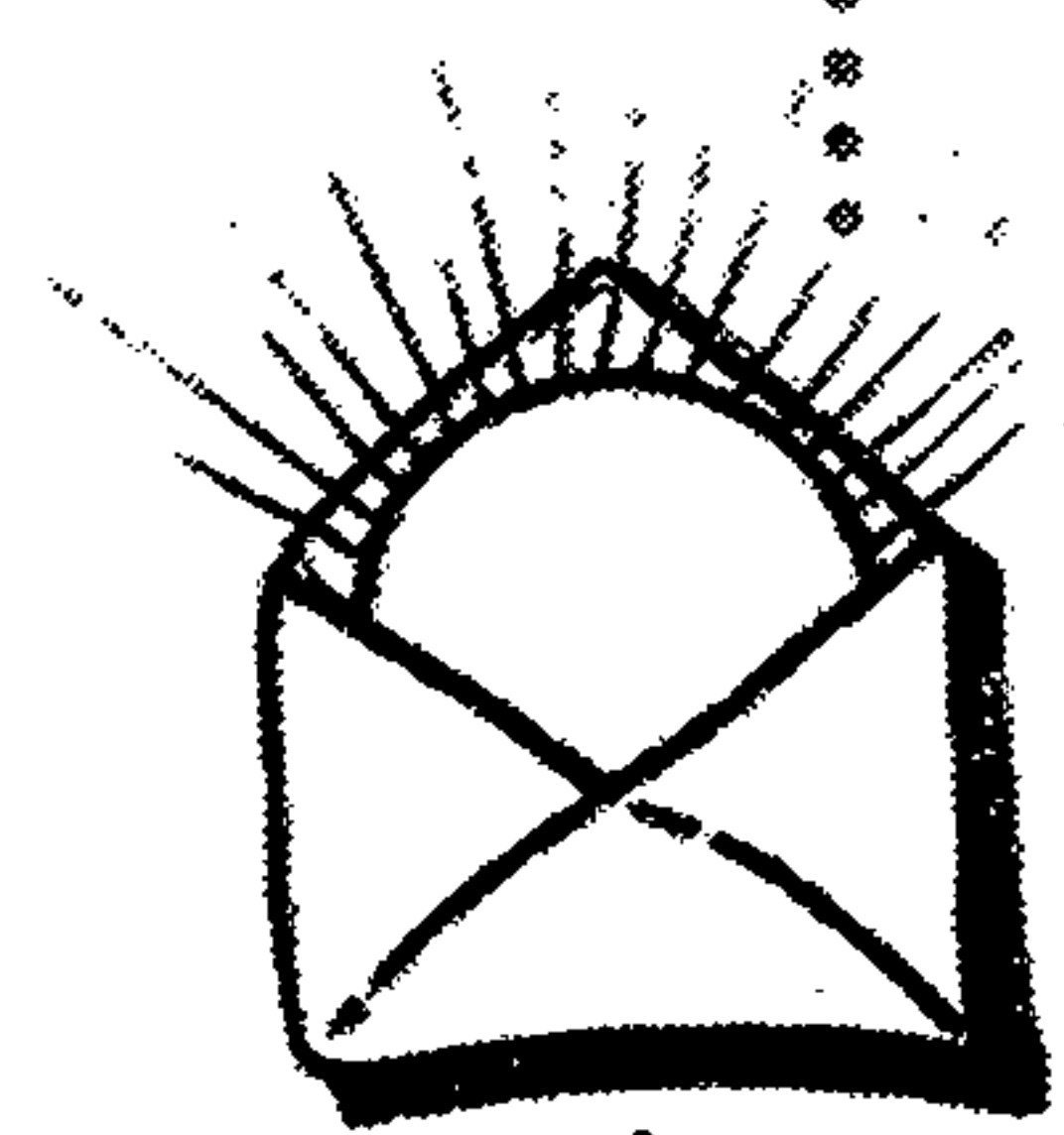
رابرت اس. کرامر

**مهدی:** واژه مهدی (هدایت شده از سوی خداوند) به شخصیتی معادشناختی دلالت دارد که حضور او پیش از آخرالزمان منجر به ایجاد عصر عدالت و ایمان واقعی خواهد شد. ریشه این واژه را نمی‌توان در قرآن یافت و در واقع اصلاً در آن ذکر نشده است،<sup>(۱)</sup> اما لقب بسیار محترمانه‌ای بوده که مسلمانان در صدر اسلام برای پیامبر و چهار خلیفه اول به کار می‌بردند.<sup>(۲)</sup> کاربرد این واژه به وسیله شیعیان بیش‌تر گسترش یافت و آن را در مورد محمد بن حنفیه (پسر امام علی) که قیامی را در سال ۶۸۵ م به راه انداخت به کار بردند.<sup>(۳)</sup> بعدها شیعه این "هدایت شده به حق" را تقدیس نموده و مرگ او را انکار کردند و معتقد شدند که او از نظرها نهان است.<sup>(۴)</sup> حوادث دیگری از این قبیل در تاریخ شیعه وجود دارد - امام دوازدهم محمد بن حسن عسکری را که در سال ۸۷۸ م از نظرها نهان شد،<sup>(۵)</sup> مهدی نامیدند - در نتیجه اعتقاد به یک ناجی مسیحیا (مهدی منتظر) به وجود آمد که روزی باز خواهد گشت تا از آرمان طرفداران خود حمایت کند.

اگرچه مهدویت نقشی اساسی در اعتقادات شیعه داشته، در اسلام سنی از چنین اقبالی برخوردار نبوده است؛<sup>(۶)</sup> در میان اهل سنت تکیه بر اجماع علما و اعتقاد به توان جامعه جهت اصلاح خود، به لحاظ نظری ضرورت اعتقاد به چنین شخصیتی را نفی می‌کند. اما این مفهوم طی ناآرامی‌های سیاسی قرون اولیه، در اعتقاد عمومی اهل سنت نفوذ به‌سزایی داشت. مدعیان گوناگون مهدویت در تأیید ادعاهای خود به تعداد بسیار زیاد و فزاینده‌های از احادیث پیامبر درباره مهدی اشاره می‌کردند. پاره‌ای از مطالب مشترک این احادیث عبارتند از: مهدی از خاندان پیامبر خواهد بود. هم‌نام پیامبر است، و پدر او نیز هم‌نام پدر پیامبر است (یعنی نام او محمد بن عبدالله خواهد بود)،<sup>(۷)</sup> زمانی ظهور خواهد کرد که جهان در بدترین وضعیت خود باشد؛ در زمان حکومت او نعمت‌های طبیعت فراوان خواهد شد. او عدالت

را منتشر خواهد ساخت، دین را احیا می‌کند و دشمنان اسلام را نابود می‌نماید؛ ظهور او با علایم معجزه آسایی همراه خواهد بود. او فردی سخاوتمند خواهد بود و ثروت را [بین همگان] تقسیم خواهد کرد. احادیث مذکور در بسیاری از مسایل با هم اختلاف دارند؛ در نتیجه قابلیت انطباق وسیعی دارند.<sup>(۸)</sup> به طور کلی، دیدگاه اهل سنت در خصوص مهدویت در مقایسه با دیدگاه شیعه که بر تجسم خداوند<sup>(۹)</sup> استوار است، بیش‌تر

● اگرچه مهدویت نقشی اساسی در اعتقادات شیعه داشته، در اسلام سنی از چنین اقبالی برخوردار نبوده است؛<sup>(۶)</sup> در میان اهل سنت تکیه بر اجماع علما و اعتقاد به توان جامعه جهت اصلاح خود، به لحاظ نظری ضرورت اعتقاد به چنین شخصیتی را نفی می‌کند.



ناظر به کسی است که احیاگر دین است؛ کسی که برای تصدی مسند قدرت برگزیده می‌شود نه این که صرفاً از غیبت بازگردد. عوامل مهم گسترش اندیشه مهدویت، آثار علمای مختلف صوفی، از جمله عالم بانفوذ، ابن عربی (متوفای ۱۲۴۰ م) بوده است.<sup>(۱۰)</sup>

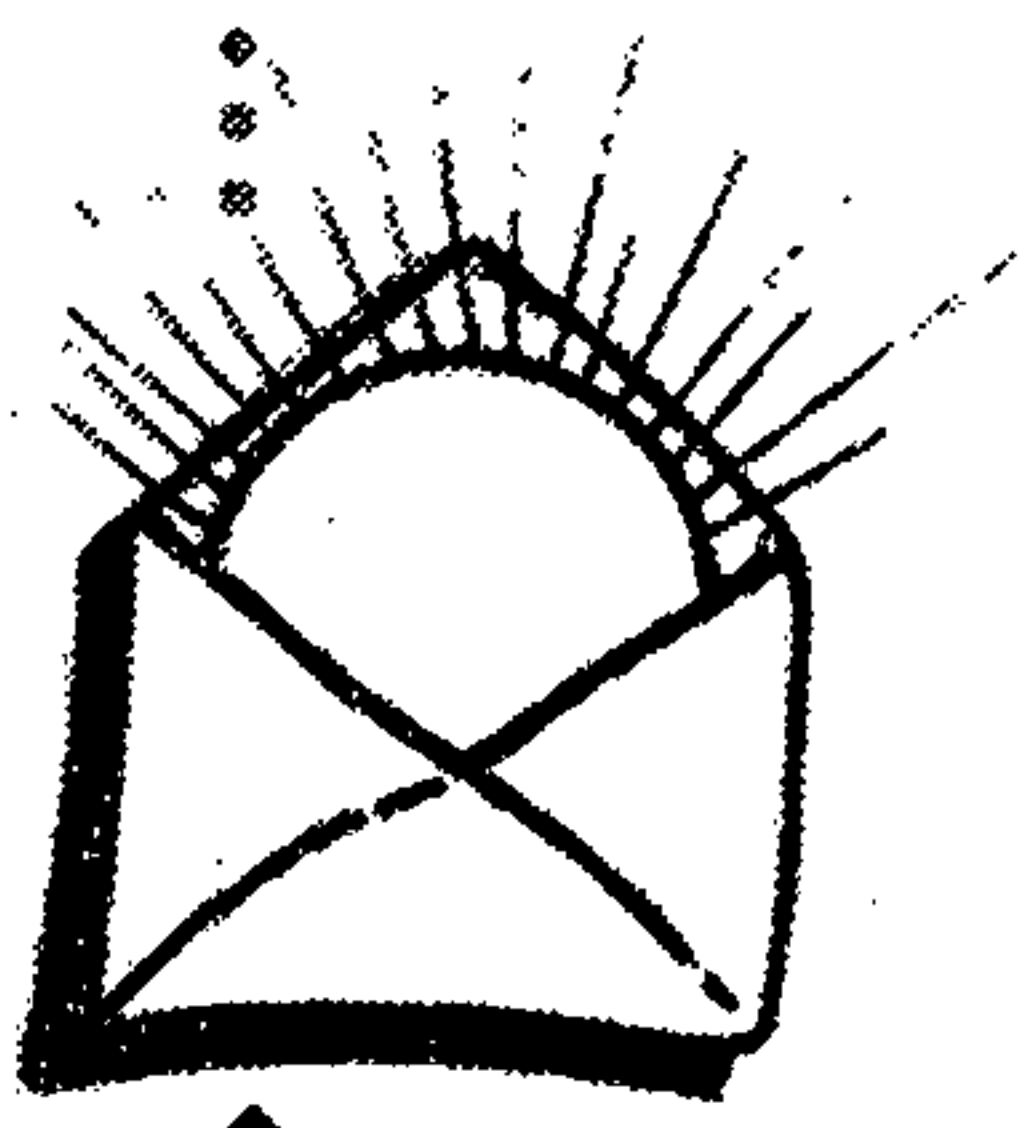
مؤید اقبال عمومی به اندیشه مهدویت، فراوانی تعداد مدعیان این عنوان در تاریخ اسلام است. محمد عبیدالله (متوفای ۹۳۴ م)، نخستین خلیفه فاطمی، با استفاده از انتظارات مردم از مهدی و احساسات شیعه، در شمال آفریقا به قدرت رسید. او با ظاهر شدن در جبل مسا واقع در مغرب - که در آن زمان محل موعود ظهور مهدی تلقی می‌شد<sup>(۱۱)</sup> - مدعی شد که از نوادگان دختر پیامبر، فاطمه، است و اظهار داشت که برادر امام غایب، امام دوازدهم، است. بنیانگذار جنبش اصلاح طلب موحدون در قرن دوازدهم، محمد بن تومرت (متوفای ۱۱۳۰ م) نیز مدعی شد که مهدی است و از نوادگان امام علی است. به طور خاص، با فرارسیدن قرن سیزدهم هجری قمری (۱۸۷۵ - ۱۸۸۳ م)، که به دلیل اهمیت فراوان مسیحایی آن، مردم، مدت‌های مدید در انتظار فرا رسیدن آن بودند، اعتقاد به مهدویت افزایش یافت. در این دوران، حداقل سه رهبر جنبش‌های اصلاح طلب در غرب آفریقا؛ - شیخ عثمان دن فودیو<sup>۱</sup> از سوکوتو<sup>۲</sup>، شیخ احمدو باری<sup>۳</sup> از ماسینا<sup>۴</sup> و حاج عمر تال<sup>۵</sup> از امپراطوری توکلور<sup>۶</sup> - از گرایش‌های مردم به مهدویت برای آغاز جهاد خود بهره گرفتند. انتظار آمدن مهدی از شرق، موج مهاجران غرب آفریقا را به سمت نیل گسیل داشت و این امر قیام و موفقیت مهدی محمد احمد سودانی (متوفای ۱۸۸۵ م) را تسهیل کرد. [به زندگینامه دن فودیو و عمر تال مراجعه کنید.] در این میان، چند مهدی در مصر ظهور کرد که منجر به قیام علیه اشغال فرانسه و نیز حکومت دولت مصر گردید. تا پایان قرن نوزدهم، قیام تحت عنوان مهدویت علیه امپریالیسم اروپا امری تقریباً عادی بود که برای مثال در هند، الجزایر، سنگال، غنا، و نیجریه رخ داد. آنچه در تمام این نهضت‌ها مشترک بود، این تصور بود که فساد، آرمان‌های اسلامی را در بر گرفته است و سلطه سیاسی و فرهنگی غرب نابکارانه [در میان مسلمین] نفوذ کرده است. اخیراً، همین تفکر، عامل تصرف مسجدالحرام در مکه در سال ۱۹۷۹ به وسیله مهدی عربستان سعودی بود؛ انتقاد شیعه از "نظم نوین جهانی" به رهبری امریکا نیز با واژه‌های مربوط به مهدویت عنوان شده است. با توجه به قدرت برانگیزنده مهدویت و شرایط انعطاف‌پذیر ظهور مهدی، می‌توان انتظار داشت هر جا که تصور شود منافع اسلام در خطر است، ادعای مهدویت مطرح گردد.

[به معادشناسی؛ (Eschatology) مسیحاباوری (Messianism)، احیا (Revival)

و تجدید (Renewal) نیز مراجعه کنید.]

#### کتابنامه

۱. هالت، پی. ام. ۲ "منجی‌گرایی در اسلام و تحقق پیش‌گویی." در پیش‌گویی و منجی‌گرایی، با ویرایش آن ویلیامز،



صص. ۳۳۷ - ۳۳۷. لندن، ۱۹۸۰. (مروری بر مهدی سودانی در بافت اندیشه مهدویت اسلامی).  
 ۲. ابن خلدون، مقدمه. ۳ جلدی. ترجمه فرانتس روزنتال. نیویورک، ۱۹۸۵؛ عالم عرب بررسی کلاسیک فلسفه تاریخ و جامعه‌شناسی، از آفریقای شمالی، ۱۳۷۷. فصل ۳ حاوی بحث مهمی در خصوص دیدگاه‌های عمومی مسلمانان درباره مهدی است، که در آن بر نفوذ صوفی و شیعه نیز تأکید شده است.  
 ساشادینا، ای، ای. ۱۰. مهدویت در اسلام: اندیشه مهدویت در شیعه دوازده امامی. آلبانی. نیویورک. ۱۹۸۱. کامل‌ترین مطالعات جدید درباره اندیشه مهدویت در اسلام، یا تأکید بر عقاید شیعه و نیز بررسی گسترش این اندیشه در اسلام اهل سنت.

رابرت اس. کرامر (Robert S. Kramer)

۶. Tukolor	۱. Shaykh usman dan fodio
۷. Holt, P. M.	۲. Sokoto
۸. Ann Williams	۳. Shaykh Ahmadu Bari
۹. Franz Rosenthal	۴. Masina
۱۰. Sachedina, A. A.	۵. "Al-Hajj Umar Tal."

#### ملاحظات علی‌اکبر مهدی پور

ر. ک: کتابنامه حضرت مهدی (عج) ج ۱ و ۲.  
 ۷) حافظ گنجی شافعی تصریح کرده که جمله: «اسم ابیه اسم ابی» در روایات صحیحه نیامده و آن را «زایده» افزوده و او همیشه در احادیث دستبرد می‌زد. [البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۲۷].  
 ۸) مهدی (ع) از نظر شیعه «مهدی شخصی» است نه «نوعی»، و هرگز با فرد دیگری جز فرزند امام حسن عسکری (ع) قابل انطباق نیست. بسیاری از محققان اهل سنت نیز تصریح کرده‌اند که مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری است و در تاریخ ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری متولد شده است. ر. ک: میلاد نور، از علی‌اکبر مهدی پور.  
 ۹) منظور نویسنده از عبارت «تجسم خداوند» معلوم نشد.  
 ۱۰) با وجود احادیث بی‌شماری در مورد حضرت مهدی (ع) در مجامع حدیثی اهل سنت نمی‌توان ابن عربی‌ها را از عوامل گسترش اندیشه مهدویت بر شمرده، به عنوان مثال تنها در کتاب «مسند احمد حنبل» پیشوای حنابله، که ۱۵ سال پیش از میلاد حضرت مهدی (عج) در گذشته، ۱۳۶ حدیث درباره مهدویت موجود است. ر. ک: احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، صص ۳۴ - ۷۶.  
 ۱۱) منظور نویسنده از این جمله روشن نیست، اصولاً بین اعتقاد به مهدویت و کوه «مسا» در «مغرب» چه رابطه‌ای متصور است؟

۱) با نگاهی گذرا به معجم مفهرس قرآن کریم روشن می‌شود که ریشه «مهدی» (واژگان هدایت) بیش از ۳۰۰ بار در قرآن آمده است، به ویژه در مورد امامان هدایتگر [انبیاء / ۷۳؛ سجده / ۲۴].  
 ۲) استعمال عنوان «مهدی» در مورد رسول اکرم (ص) و خلفای چهارگانه هرگز معهود نبود.  
 ۳) محمد حنفیه فرزند برومند امیرمؤمنان (ع)، هرگز ادعای امامت و مهدویت نکرد، و هرگز به مختار دستور قیام نداد [انساب الاشراف بلاذری، ج ۵، ص ۲۱۸] و هنگامی که مطلع شد که مختار ادعا کرده که از سوی او اعزام شده، از او تبری جست. [الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۹] فقط اقلیت کیسانیه به او این عنوان را دادند، در حالی که او از آن‌ها بیزار بود. [الکیسانیه فی التاريخ والادب، ص ۱۲۳]. آن‌ها نیز در قرن دوم به کلی منقرض شدند. [الفصول المختاره، ج ۲، ص ۳۰۵].  
 ۴) این مطلب را نمی‌شود به شیعه نسبت داد، بلکه عقیده اقلیت ناچیزی به نام کیسانیه بود.  
 ۵) این تاریخ دقیق نیست، زیرا تولد آن حضرت به سال ۸۶۹ م.، آغاز امامتش سال ۸۷۴ م. و آغاز غیبت کبری به سال ۹۴۱ م. می‌باشد و سال ۸۷۸ م. با هیچ کدام منطبق نمی‌باشد.  
 ۶) اگرچه عقیده به مهدی موعود در میان اهل سنت در حد شیعیان نیست، ولی در حد تعبیر نویسنده نیز نمی‌باشد، تاکنون بیش از ۲۰۰ کتاب مستقل از علمای عامه درباره حضرت مهدی (ع) منتشر شده است.

